

عقد ودیعه ۴ عقد جانی ازنی

۱. یک طرف مال خود را به دیگری میدهد

مورد

تا طرف دیگر، چنانچه بدهد کند.

مستورع (این)

(نیابت در بدهداری مجانی از مال)

قبض شرط است نیست

ایجاب + قبول

عقد رضای

عقد و دینه

۱. احلیٰ هر ۲ طرف نیاز است
عقل
بدیع
ارشد

اگر مودع احلیٰ ندانست و طرف دیگر مال را ببرد.

بدینرندہ ہے صفائی (مستحب عطلیٰ)

که باید مال را به دل یا صم بدهد.

اگر مودع، من العقد احلیٰ دانست

بعداً احلیٰ را از دست دارد ← عقد و دینه منقسخ می شود.
جائز ازنی

مستودع مال را باید به صم مودع بدهد

اگر مسترد اهل بیت

۱- کبوتر یا صغیر غیر بحر

طرحه ۱۲۱۵
قاعده اقدام

هرس مال خود را به تصرف صغیر غیر بحر یا کبوتر
بدهد، صغیر یا کبوتر مسئول تلف یا نقص
نمیست

اگر مسترد، من العقد، اهل بیت

بعداً، اهل بیت را از دست دارم عقد و دینه منفعه شور
جائز اذنی

قیمت این، باید مال را به سرور سی بدهد.

بدستور، امانی است. مثل تلف یا نقص نیست
در تقصیر

مستور - مال مورد دعوای امان طوری که مالک مقرر کرده حفاظت
از مالک ضرر نلغته به به کرمستعار
دالامان

اگر امانی، تغییر نحو حفاظت را لازم بداند. به ی تواند تغییر دهد
در مری صریح مالک

در رد مال - تعهد به تسویه

در نگهداری امان - تعهد به بدست

تعهد امان

حقیر انجام بقدر اصولاً بامتمد — استثناء — عقد و دیم
 اصل بردادن مال — بر عہدہ سرور
 حقیر — بر عہدہ سرور
 استثناء

۶۱۷

این { حق تصرف
 حق انتفاع
 از مال را ندارد
 مع اجازہ مالک اصرع
 اضنی
 والا ضامن

* ۶۲۱ اگر مال مورد ددیم، نهراً از این گرفته شود (عقب ثالث)

امن بهای مال مورد ددیم، عوض یا از غایب برد.
بدل

این باید آن گرفته بهودع بدد
مردع ملکن به قبول نیست
می توانند به غایب رجوع کنند.

فوت این (مردع)

اگر عقد ددیم منقوع شود

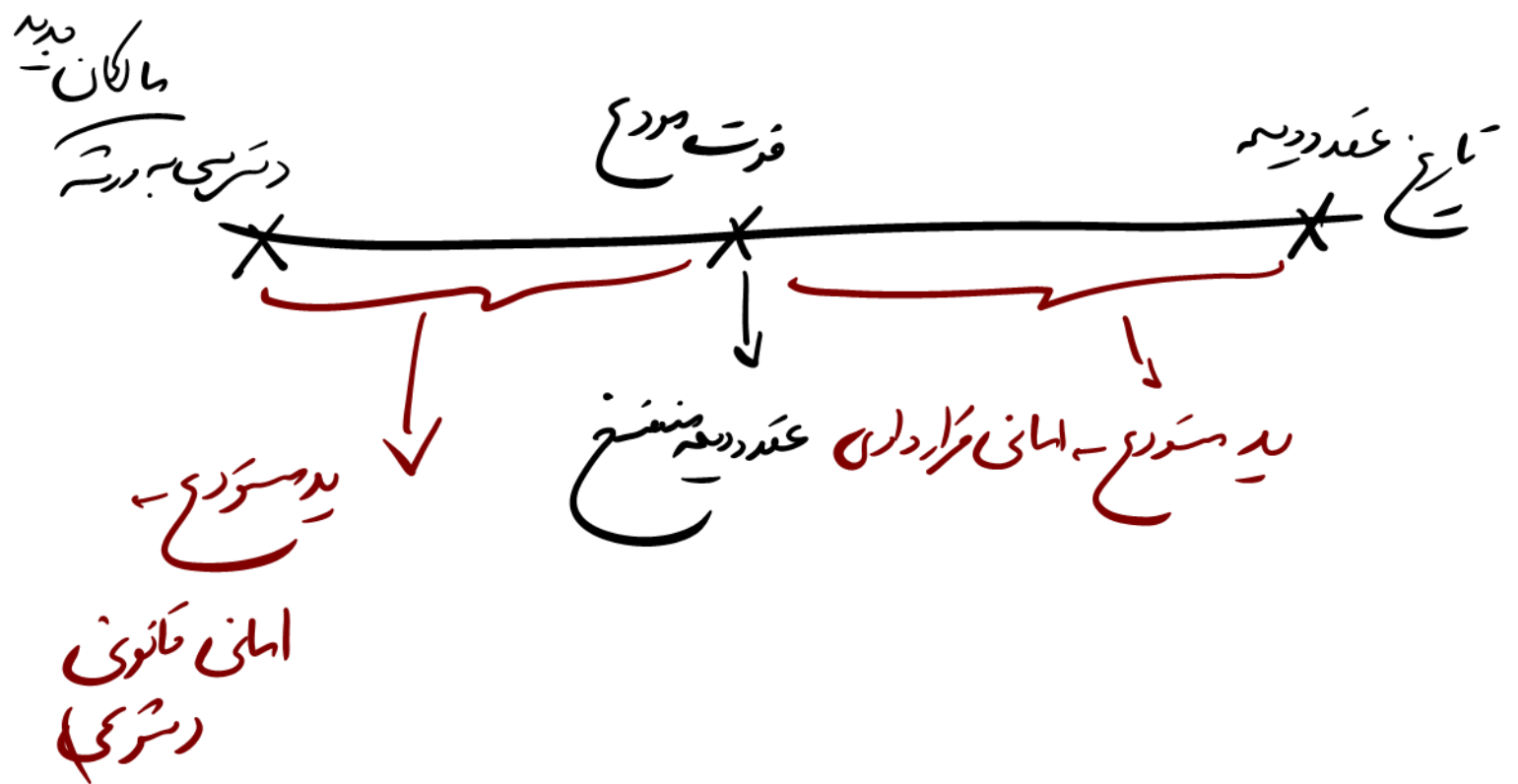
ورده این به باید مال را بهودع پس بدست.

↓
اگر ندانند مال ددیم است به بدورته - صمانی است
(در صدم عقب)

فوت مورد ہے عقد دیمہ منفعہ کی سود

مسودع (اسین) ہے باید مال را بر رسته بدحد

نقد در رسته
اگر امتلاف داشتند به حکم می رسد



اگر معلوم شود مال مستحق للفقیر

این باید مال را به مالک حقیقی بدهد

اگر طالب معلوم نبود - می دهد به حاکم
تابع احوال مجهول المالک .

۶۲۹ - قسم یادی - مال محجور را ردیفه لذائذ

بی از رفح حجر - عقد ردیفه برچایش

این باید مال را به مالک بدهد
محجور که اهل بیت پیدا کرد

اگر ریغ جری شده

قیم عوض شده (قیم قبلی ست را از دست
داده)

این مال را به قیم جدید می رسد

عقد عاریه - اذن در استناده بجای از مال

مسئله
مکذوب
معیر - مال منقذ
صاحب حق انتفاع

↓
به موجب عقد حبس

مَالِکِ ضَامِعِ عِنَا جَارِه



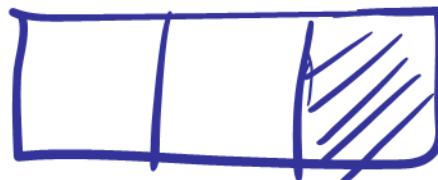
عَقْدِ جِس

حَقِ اِسْتِغَا



عَقْدِ عَارِه

اِذْنِ دِرَا اِسْتِغَا



نَهْ مِ تَوَانْدَ بِهْ لِهْ بَدِ مِدْ
نَهْ حَقِ اِسْتِغَا
نَهْ اِذْنِ دِرَا اِسْتِغَا

مال مومنِع عقد عاریہ ہے حائل بقاء (ممنوعہ شدی)

یعنی باقیہ عینِ وجود از آن منفعہ شد.

سُخ برای سوزاندن ہے مئی سُود

سُخ برای دُکور ہے مئی سُود.

یدِ صقیر امانی

با صلابہ ملک و امتناع با امکان رد
یدِ سود خفائی.

بہ طور کلی خرجا یدِ امانی و ارداری سود

استیلاک عربی

ماده ۶۴۱

که مستعیر، منزل منقبت نامی از استعمال

در غیر مورد اذن استفاده کرده

نیست

اگر عاریه مطلق بوده، برخلاف

معارف استفاده کنند.

شرط ضمان منقبت به صحت است.

مزل استیلاک عربی نامی از استفاده باشد.

ماده ۶۴۴

عاریه طلاق و نفقه (مهرکوت)

(مهرکوت)

(مستعیر منزل تن یا تنی است
صی اگر تنقیر نکرده باشد)

(مزل در نگهداری مال به نفعده تنیج)

فاج انتفاع از مال مرد عاریه ^{بر عهده مستقر} می باشد

فاج نگهداری از مال ^{بر عهده رعایت} می باشد

هستند
ضمان آن
توانن کرد.

ماده ۶۲۷ - مستقر نمی تواند مال را به تصرف غیر دهد

مگر به اذن عی

عاریه - عقد است
که احدی رضامند ^{عمل} بدین ^{برای}

برای مستقر صرفاً نافع نیست - شاید بدای سر مال بیاید.

عقد وکالت ← برای انجام امری نایب فردند.

موضوع عقد وکالت

انجام تعهدات ناشی از عمل

صدقی

مثل کنترل مسج

عمل مرئوساماری، یعنی توانند موضوع عقد وکالت باشند.

اعاوه اشخاص

زیر کاری ساختمان

مبالغه

وکالت - عقد جایز ادنی



امولاً در یک یا طریقی حق منفع عقد را دارند.

وکالت ضمن عقد لازمی شرط شده باشد (شرط اشیم)

ضمن عقد لازم

استطاعت حق منفع هر جدی / ضمن عقد جایز

یا شرط

عَدَّ بَعْدَ

و کالت عقد رضای اِجَاب + قَبُول

در عقد رضای — در قَبُول، ضرر لازم نیست
توالتی عرفی لازم است.

در کالت — توالتی عرفی هم نیاز نیست.

تأزیهائی که مکمل به اذن ضرر بای است می شود قبول رض

اگر دلیل از رکات استغنا دهد سه رکات زائلی شود.

ولی مکمل به اذن خود بایستی است

دلیل می تواند موضوع رکات را انجام دهد

(رکات پُدر)

رکات سه عتد است

هم دلیل
هم مکمل

اصلی می خواهد

همان میزان از اصل که برای انجام موضوع رکات لازم است

مالی - عقل بلوغ رسد
غیر مالی - عقل بلوغ

در کجای دایم - یعنی هم می تواند دلیل سود هم و کالت دهد.

کجای است - هر جزء ارکان عدالت

یعنی نمی تواند

در اسر مالی نمی تواند کالت دهد.

در اسر غیر مالی می تواند کالت دهد

حق تصرف در اسرال خود را ندارد

در کجای هم در اسر مالی هم در اسر غیر مالی
می تواند دلیل باشد

خود رکالت

ہے محضہ غیر عرض

خود نیابہ رادن

معرض با اجرت

در مقام اجرا

بدون اجرت

غیر معوض

رکالت

برای انجام کارے اصل رب با اجرت بودن است

اجرت حقدے

ملکہ اولیہ - قرارداد - اجرت المسی

ملکہ دوم - نفع نامہ، نفعہ - اجرت المسی

ملکہ سوم - اجرت انکس

رأى و عدت در

اگر در قرارداد نکات دلیل دادستری

حق الوکاله درج شود - از سرارد اخطار رفع ندهی

۶۷۲

دلیل امرای حق کیل به غیر ندارد.

اذن کیل
مدرک

نکات عام

۶۷۳
۱۔ اگر دلیل حق کدیل نداشت

دیدید ثالث موضوع رکات را انجام دهید

فشارت دارد دست به } هم دلیل
 } هم نهات

حترل حیران فشارت
درستابل هرکلی

اگر دلیل با حق تبدیل گردد، ویلی برای خود اشتغال کند

دلیل ۱ ————— دلیل ۲
عندکالت ۱ ————— عندکالت ۲

دلیل ۲۔ ہے مستقیم بہ کوکل وصل نبوت۔
اگر دلیل ۱، ہے خود را از دست داد
دلیل ۲ ہم دینر سیمی ندارد۔

اگر دلیل با حق نویل، دلیلی برای قبول استغاب بند

موتل / دلیل ۱

دلیل ۲ - مستقیم به موتل وصل است

اگر دلیل ۱ سمت خود را از دست داد
دلیل ۲ سر جایش.

تفویض دکالت

اگر دلیل با حق نویل، دکالت را تفویض کنند
دلیل ۱ - رد / سمت ندارد

و انذار
انشاء جایگاه قرارداداری

موتل / ~~دلیل ۱~~
دلیل ۲

اگر وکیل با برخورداری از حق توکیل و در راستای آن، وکیلی برای خود برگزیند، کدام مورد صحیح است؟
(۱) وکیل دوم باید به نحو بالاجتماع با وکیل اول اقدام کند.
(۲) در صورت فوت وکیل اول، سمت وکیل دوم زایل می شود.
(۳) تا بقای وکالت وکیل اول، وکیل دوم قابل عزل نیست.
(۴) با توکیل به وکیل دوم، سمت وکیل اول زایل می شود.

سکن — وکیل — وکیل ۱

۱۱- شخصی برای پیدا کردن مال مفقوده‌ای به شخص دیگر وکالت در انشای جعاله را می دهد. اگر وکیل جعاله را خطاب به یک مؤسسه یا بنده اشیای مفقوده انشا کند و سپس رجوع کند چه تأثیری دارد؟
(۱) اثری بر این رجوع مترتب نیست.

(۲) با رجوع پرداخت اجرت المثل اقدامات انجام شده بر عهده وکیل است.
(۳) با رجوع پرداخت اجرت المثل اقدامات انجام شده بر عهده موکل است.
(۴) با رجوع پرداخت جعل مقرر متضامناً بر عهده وکیل و موکل است.

وکالت در رجوع
اصل عدم

ضامان

خوانده

۱۰- معیر برای استرداد مال مورد عاریه علیه مستعیر طرح دعوی کرده است. در فرض مفروغ عنه بودن اثبات وقوع عاریه تکلیف رسیدگی به این دعوی چیست؟

(۱) خواهان باید اقامه دلیل نماید و در صورت فقدان دلیل می تواند خوانده را سوگند دهد. ✗

(۲) خواهان باید اقامه دلیل نماید و در صورت فقدان دلیل می تواند قسم یاد کند. ✗

(۳) خوانده باید اقامه دلیل نماید و در صورت فقدان دلیل می تواند خواهان را سوگند دهد. ✓

(۴) خوانده باید اقامه دلیل نماید و در صورت فقدان دلیل می تواند قسم یاد کند. ✗

سرنوشتی

اصل عدم

وکالت مطلق

در مورد موضوع وکالت حریف نزدند

فقط اداره امور مالی موکل

مدیریت امدال

تقریباً نه

خرهوشن نه

کدام مورد، بیانگر مفهوم وکالت مطلق است؟

(۱) ناظر به اداره امور مالی و غیرمالی موکل است.

(۳) ناظر به مدیریت اموال موکل است.

(۲) ناظر به اداره تمام امور غیرمالی موکل است.

(۴) ناظر به اداره عام امور موکل است.

وکالت عام ← توحدی

زید زده ...

کدام یک از وکالت‌های زیر، نافذ است؟

(۱) وکالت مجنون از رشید، جهت بیع

(۲) وکالت رشید از غیررشید، جهت صلح مال

(۳) وکالت صغیر ممیز از غیررشید، برای قبولی هبه

(۴) وکالت صغیر غیرممیز از صغیر ممیز، برای قبولی هبه

صغیر نافع

صغیر عجزه رشید

می‌داند

وکالت مفید است وکالت داده ام در امر خاص

مُداً پدید را بزرگش

هر توانی اجاره بدی ؟ نه

در عقد وکالت است می توان مدت درج کرد
لازم نیست

حتی در این مدت ، عقد قابل منقض است

بعد از پایان مدت ، عقد وکالت منقض می شود

نقدات دلیل

✓ حدود اختیارات - دلیل باید در حدود اختیارات عمل کنند.

خارج از حدود اختیارات سه غرضاند (فقوی)

والا غرضانقد



✓ صلت مرئی - باید صلت مرئی را رعایت کنند

سه نکته نام بردید را بنویس - نباید ارزان بفروشی سه غرضانقد

* زائر و صد روزه

سه اردو کالت نامه آمده

دلیل همانند به هر کسی در هر قسمتی بفروشد

عمل برقیست مبارک

سه ارزشی ارزان فروخته - معامله غرضانقد

«الف» به عنوان وکیل «ب»، ملک «ب» را به یک سوم قیمت عرفی به «ج» واگذار می کند. باتوجه به اینکه در وکالتنامه «الف» قید گردیده بود که نامبرده می تواند ملک مذکور را به هر شخص و به هر قیمتی و حتی به خود واگذار نماید، وضعیت معامله مذکور از حیث صحت چگونه است؟

۱) به دلیل عدم رعایت غبطه موکل، معامله غیرنافذ بوده و با رد «ب»، معامله باطل می شود.

۲) به دلیل اعطای اختیار از ناحیه موکل، اقدام «الف» صحیح و اقدام «ب» مشمول قاعده اقدام است.

۳) معامله در مقابل «ب» غیرقابل استناد است.

۴) به دلیل عدم رعایت غبطه موکل، معامله از سوی «ب» قابل فسخ است.

فسخ مفسق عند صرح

در عقد نکاح در دو فرض زیر، کدام مورد صحیح است؟

فرض اول - عدم رعایت مصلحت موکل

فرض دوم - خروج از حدود اختیارات توسط وکیل

۱) در هر دو فرض، نکاح غیرنافذ و منوط به تنفیذ موکل است.

۲) در فرض اول، نکاح غیرنافذ است و در فرض دوم، نکاح صحیح و قابل فسخ است.

۳) در فرض اول، نکاح صحیح و قابل فسخ است و در فرض دوم، نکاح غیرنافذ است.

۴) در فرض اول، نکاح صحیح و غیرقابل فسخ است و در فرض دوم، نکاح غیرنافذ است.

چنانچه موکل فوت کند و وکیل بدون اطلاع از فوت، موضوع وکالت را بعداً انجام دهد، کدام مورد در خصوص اقدامات وکیل، صحیح است؟

(۱) صحیح است، مشروط بر آنکه رعایت غبطه و مصلحت را کرده باشد.

(۲) تا رسیدن خبر فوت، نافذ است.

(۳) باطل و بلااثر است.

(۴) غیر نافذ است.

وکالت زائل شد

وکیل سنی ندارد

↓ همکاری بلند - فسخی

وکالت طاعری

فقط در عزل وکیل

~~فوت کند~~

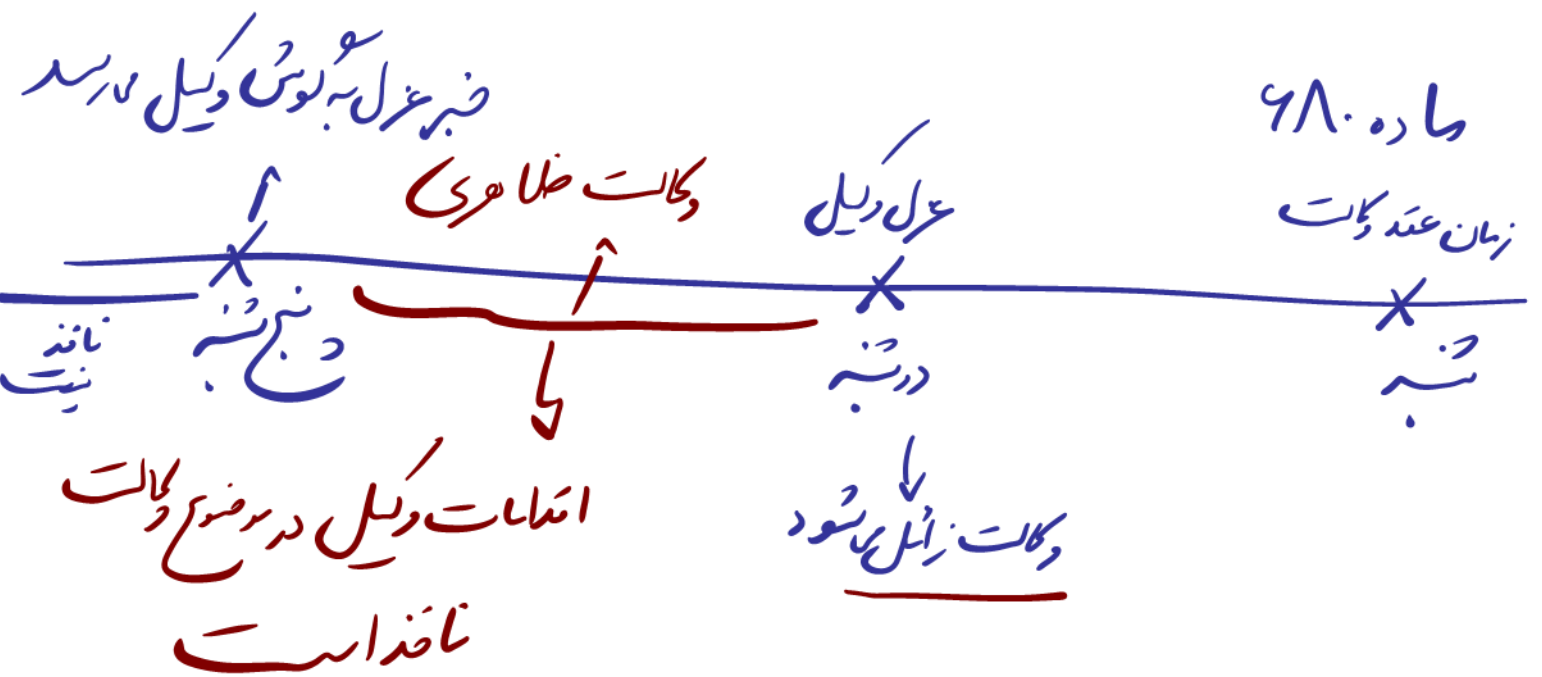
کدام مورد در خصوص اقدامات وکیل، صحیح است؟

(۱) وکیل پس از استعفا، تحت هیچ شرایطی نمی تواند در مورد وکالت اقدام کند.

(۲) چنانچه نامه عزل وکیل که در مسافرت است، ارسال گردد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.

(۳) چنانچه نامه عزل به اطلاع وکیل که در مسافرت است، برسد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.

(۴) چنانچه نامه عزل به اقامتگاه وکیلی که در مسافرت است، واصل گردد، اقدامات او نسبت به موکل نافذ نیست.



کلمات ظاهری ه فقط در عزل دلیل
فوت شد

در عزل دلیل ه تا زمانی ه خبر عزل به اطلاع دلیل برسد

اندامات دلیل در موضع کلمات ه نابت

همین ه خبر عزل به اطلاع دلیل برسد
اندامات ه شود
فصولی ه غیر نابت

اگر موکل به بندنیزکالت داد

حالت بالاصباح (اصحای)

(وکلایکی است دارند)

~~اگر موکل~~
اتفاق آراء لازم است
همه با هم

اگر بدون موافقت وکلای دیگر

انجام دهند غیر نایند

تنفیذ وکلای دیگر

مردم

حالت استقلال

هر دلی به تنهای داری است

هر دلی رأی می تواند
انجام بدهد.

دلی اول به هر چه در قرارداد آمده

دلی دوم به قرائن

مبدأ در نکات نامه جداگانه

قرینه بر استقلالی بودن

دلی سوم به اصل بی اعتباری بودن

از کجایان به استقلال

در حالت استعلائی ← هر دلی بر اساس می تواند اقدام کند

هر کدام زودتر اقدام کرده ← ملاک است

ارزنجور جمع کردن ←
زبان در ۲ اقدام نا معلوم
تقدم و تأخر هم نا معلوم
هر ۲ کار باطل

تقدم و تأخر نا معلوم
زبان یکی معلوم زبان یکی مجهول ← معلوم ملاک عمل است

اصل تأخر حادث ← بنا بر این تسلیم مجهول بعد از اتمام
اشارة

«الف» با سند عادی در تاریخ مشخص، آپارتمان خود را به شخص «ب» اجاره می دهد، شخص دیگری با ارائه سند عادی، مدعی است همان آپارتمان را با سند عادی اجاره کرده است. کدام مورد، صحیح است؟

(۱) قراردادی که تاریخ آن معلوم است، مؤخر فرض می شود. ✗

(۲) در همه موارد، قراردادی که تاریخ آن معلوم است، مؤخر فرض می شود. ✗

(۳) در همه موارد، قراردادی که تاریخ آن مجهول است، مؤخر فرض می شود. ✗

(۴) چنانچه با قرائن و شواهد، تقدم و تأخر هیچ کدام از دو قرارداد مشخص نباشد، قراردادی که تاریخ آن مجهول است، مؤخر فرض می شود. ✓

دلیل

اماره (رأین)

اصل

- مالک زمینی به موجب قرارداد صلح، به همسایه حق عبور از ملک خود را داده است. کدام مورد، صحیح است؟
- (۱) تغییر مالک، تأثیری در حق عبور ایجاد شده ندارد.
- (۲) در صورت فوت هریک از دو همسایه، حق عبور منتفی می شود.
- (۳) چنانچه مالک صریحاً عدم رضای خود را به عبور دیگران اعلام کند، حق عبور منتفی می شود.
- (۴) در صورت فروش هریک از دو ملک، مالک جدید با توجه به اثر نسبی قرارداد، حق عبور نخواهد داشت.

اگر خریدار جاهل باشد (صن العبد) {
نسخه در بند حق عبور دارد
عقد ضرر رافع
ند

عقد اداره شرکت = عقد جائز اذن

شرکاء / از میان فردشان
یا
دیران
کسی یک نفر برای اداره
اذن می دهند

بدمدیر = امانی

اذن به مدیر = قابل رجوع
(عقد اداره شرکت را می گوئیم
منسوخ کنیم)
اذن، ضمن عقد لازمی شرط شده باشد (شرط تنصیب)
یا
استعاط حق رجوع = هر صوری

در عقد اداره شرکت ہے لازم نیست مدت یقین شود

مدان مدت درج کرد

با انتصار مدت ہے عقد اداره شرکت
منذ منع شود.

ماده ۸۸۵ هـ
ہے اداره شرکت ہے عقد جائز انہی

موارد اخلال

اے اگر مدت یقین نہ ہے انتصار مدت

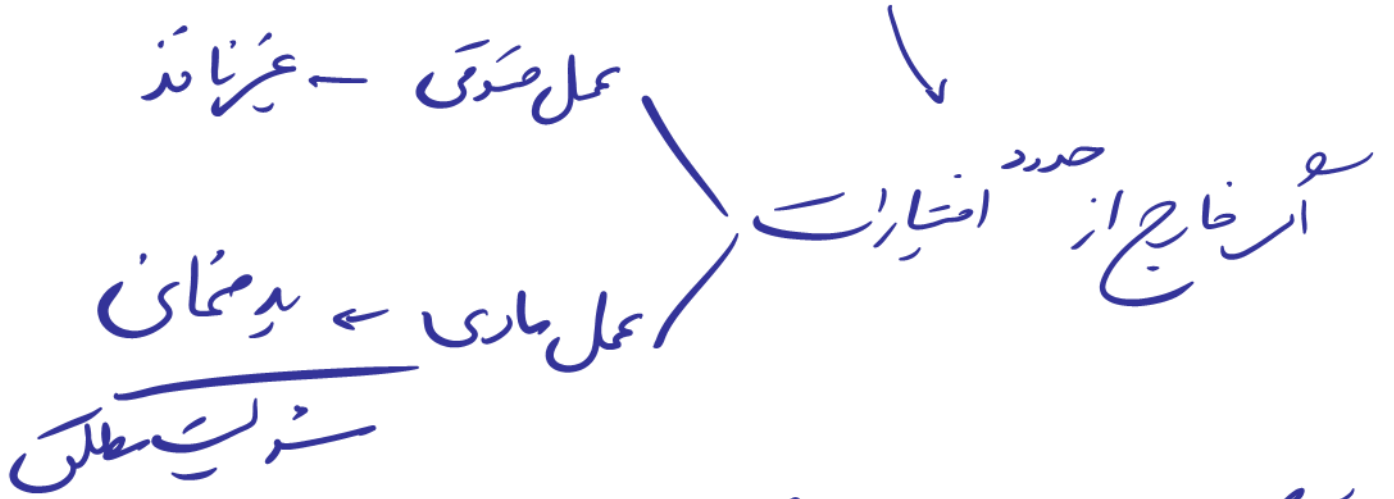
ہے رجوع (نسخ)

ہے فوت یا مجبور شدن یکی از شرکاء یا مدبر

ہے شرکت (اشاعہ ازین بعد) ہے مُلّا تقسیم
یا مال تلف شود

اختیارات مدیر

۱- همان اختیارات بنین شده



۲- اگر چندین دسته باشیم

بالاتر

بالاتر

بد ادل - قرارداد

بد هم - فرانس

بد سوم - اصل ب اجماع

از کجا بنویسیم؟

اثر در حالت بالاجتماع

ب مدیر بدون مراقبت دیگران کاری انجام دهد

ب مدیران

یا

تفید

غیراند

تفید سرگام

